

بررسی عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان سال چهارم دبیرستان برای ادامه تحصیل در دانشگاه^۱

حمیدرضا آراسته^۲

محمدرضا بهرنگی^۳

مهین شریفی حسین آبادی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۰۳/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۱/۱۲

چکیده

هدف از این مطالعه شناسایی عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان سال چهارم دبیرستان برای ادامه تحصیل در دانشگاه بود. برای انجام این پژوهش از روش پیمایشی استفاده و داده‌ها با بهره‌گیری از پرسشنامه‌ای محقق ساخته گردآوری شد. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه (N=۶۱۷۵) دانش‌آموزان دختر و پسر سال چهارم دبیرستان که در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ در سه رشته ریاضی فیزیک، علوم تجربی و علوم انسانی در دبیرستان‌های دولتی شهر کرمانشاه مشغول به تحصیل بودند. از این میان ۵۴۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و به‌طور تصادفی انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از میانگین رتبه‌ای و آزمون فریدمن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. از تجزیه و تحلیل داده‌ها این نتایج بدست آمد: در بین عوامل فردی-روانشناختی، علاقه، خودپنداره تحصیلی بالا و کسب شناخت، در بین عوامل خانوادگی، انتظار والدین مبنی بر افتخارآفرینی فرزندشان، اهمیت بالای درس خواندن برای خانواده و تمایل والدین، در بین عوامل اجتماعی-فرهنگی، منزلت اجتماعی، تعاملات اجتماعی، اهمیت دانشجو بودن در

۱. برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد (تاریخ دفاع ۸۹/۱۲/۹)

۲. دانشیار دانشگاه خوارزمی heplanning@yahoo.com

۳. استاد دانشگاه خوارزمی behrangi@saba.tmu.ac.ir

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه خوارزمی mahinsharifi25@yahoo.com

میان خویشاوندان و تأثیر دوستان، در بین عوامل اقتصادی، یافتن شغل مناسب، کسب درآمد و تلقی کردن تحصیلات به عنوان سرمایه‌گذاری، و در بین عوامل آموزشی، رشته تحصیلی، تشویق معلمان و رقابت با همکلاسی‌ها به ترتیب مهم‌ترین عوامل شناخته شدند.

واژگان کلیدی:

عوامل فردی- روان‌شناختی، عوامل خانوادگی، عوامل اجتماعی- فرهنگی، عوامل اقتصادی، عوامل آموزشی، تقاضای اجتماعی، آموزش عالی.

مقدمه

همگان آموزش را بستر توسعه می‌دانند و رکن اساسی آموزش، آموزش عالی است. دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در نوآوری، سازگاری با محیط و تحولات اجتماعی، هماهنگی با نیازهای اجتماعی، برنامه‌ریزی، مدیریت و رهبری این تحولات نقش مهمی ایفا می‌کنند (آراسته، ۱۳۸۵). بازرگان (۱۳۷۴) معتقد است هدف‌های عمده نظام آموزش عالی در هر کشور را می‌توان بر چهار محور: ۱- کمک به تحقق هدف‌های اجتماعی از طریق فراهم کردن برابری در فرصت‌های آموزش عالی، ۲- برآورد تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی متناسب با ویژگی‌ها، انگیزه‌ها، انتظارات و تحصیلات افراد، و پرورش توانایی‌های بالقوه شهروندان و تسهیل فرایند یادگیری مادام‌العمر، ۳- پرورش نیروی انسانی متخصص مورد نیاز توسعه کشور و کمک به حل مسائل جامعه و ۴- پیشبرد مرزهای دانش و تولید دانش نو استوار ساخت.

تمایل جوانان برای راه یافتن به دانشگاه و مؤسسات آموزش عالی تقاضای اجتماعی آموزش نامیده می‌شود. در این راستا نظام آموزشی دو رسالت اصلی بر عهده دارد. از یک سو موظف به تأمین و پاسخ‌گویی به نیاز افراد برای راهیابی به مؤسسات آموزش عالی و از طرف دیگر متعهد به هدایت متقاضیان به سمت افق‌های تازه و مورد نیاز جامعه است (عمادزاده، الف ۱۳۸۲ و ب ۱۳۸۲؛ ۱۹۴؛ اکبری و همکاران، ۱۳۸۶). به زعم اکبری و همکارانش (۱۳۸۶) عوامل مؤثر بر تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی چهار دسته هستند:

- ۱- عوامل فردی و ویژگی‌های خانواده: توانایی‌های فکری و ذهنی، انگیزه و علائق، تأثیر خانواده، جنسیت؛

- ۲- عوامل اقتصادی: اشتغال در جامعه، سیاست‌های حمایتی دولت، قوانین و مقررات، سطح درآمد؛

- ۳- عوامل و امکانات آموزشی: ظرفیت پذیرش دانشگاه‌ها، کیفیت امکانات موجود، کمیت امکانات موجود؛

- ۴- عوامل اجتماعی، فرهنگی و محیطی: تعداد جمعیت لازم‌التعلیم، نفوذ هم‌سن‌وسالان، سطح سواد جامعه، قوانین و مقررات آموزشی، باورها و ارزش‌های حاکم در جامعه.

در مقابل تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی، تقاضای فردی قرار دارد. تقاضای اجتماعی حاصل جمع تقاضاهای فردی برای آموزش عالی است. تقاضای هر فرد برای دانشگاه، بر اساس رجحان‌ها و انتظاراتی است که وی در ذهن خود پرورانده و تحت تأثیر محیط تکامل یافته است (عمادزاده، ۱۳۷۷). وی (عمادزاده، الف ۱۳۸۲ و ب ۱۳۸۲: ۱۹۵) همچنین معتقد است تقاضای فردی برای آموزش عالی تحت تأثیر عوامل زیر قرار می‌گیرد:

۱- تفاوت بین دستمزدها و درآمدهای فارغ التحصیلان دانشگاهی و دبیرستانی؛

۲- احتمال موفقیت در یافتن شغل مناسب پس از فراغت از تحصیل؛

۳- هزینه‌های مستقیم خصوصی آموزشی (مانند شهریه)؛

۴- هزینه‌های غیرمستقیم ناشی از آموزش (هزینه‌های فرصت از دست رفته).

تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی که در قالب تقاضای افراد برای استفاده از خدمات آموزش عالی مطرح است، از نیمه دوم قرن بیست به شکل قابل توجهی افزایش یافته است (منون^۱، ۱۹۹۸). این افزایش تقاضا دولت‌ها را با چالش‌هایی مواجه کرده است. تجدید نظر در سیاست‌های آموزشی، لزوم گسترش و بهبود دوره‌های آموزش عالی، تنگناهای تأمین مالی، مهاجرت نخبگان و بی‌کاری فارغ التحصیلان از جمله تنش‌هایی است که در بسیاری از کشورها در پاسخ به این نیاز عمومی بروز کرده است (محمدی روزبهانی و طارمی، ۱۳۸۴).

آموزش عالی در ایران هم از این امر مستثنی نبوده و به دنبال تحولات جمعیتی دهه شصت، با چالش رشد جمعیت متقاضی آموزش عالی در اواخر دهه گذشته و این دهه مواجه شده است (قارون، ۱۳۸۲). اگرچه افزایش دسترسی به آموزش عالی و تأکید بر کمیت بدون توجه کافی به کیفیت به پیشرفت کشور کمک چندانی نخواهد کرد (آراسته و همکاران، ۱۳۸۷). اما طی سال‌های ۸۰-۱۳۶۲ میزان تقاضا برای آموزش عالی به بیش از ۵ برابر افزایش یافت (اکبری و همکاران، ۱۳۸۶). این افزایش در دهه ۱۳۶۰ با هدف حل مشکلات تخصصی کشور آغاز شد، اما ادامه این روند در دهه ۱۳۷۰ مشکلاتی را برای کشور به وجود آورد. از جمله این مسائل افت کیفیت آموزش عالی است. ترکیب ورودی‌ها به آموزش عالی، انحراف شدیدی را نسبت به نیازمندی‌های نیروی انسانی متخصص نشان

^۱. Manon

می‌دهد به‌طوریکه طبق پیش‌بینی‌های انجام شده، در بهترین حالت، تقاضای اجتماعی سالانه ۵/۳ برابر بیشتر از نیازمندی‌های نیروی انسانی متخصص سالانه است (سهرابی و دیگران، ۱۳۷۶). بر اساس گزارش سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (۲۰۱۰) این مسئله به پدیده‌ای جهانی تبدیل شده است، به‌نحوی که تعداد دانشجویانی که کشور دیگری را برای تحصیلات دانشگاهی انتخاب کرده‌اند از ۲ میلیون نفر در سال ۲۰۰۱ به ۳/۳ میلیون نفر در سال ۲۰۰۹ افزایش یافته است.

امروزه انگیزه ورود به آموزش عالی به یک مشکل اجتماعی برای جوانان تبدیل شده است. تجربه نشان می‌دهد که حتی خانواده‌های کم‌بضاعت هم از هزینه‌کردن در این زمینه مضایقه‌ای ندارند (رفیعی‌راد، ۱۳۸۲؛ نقل از دهنوی، ۱۳۸۳) اما باید بین تمایل به پرداخت و توان پرداخت تفاوت قائل شد. همراهی این دو یعنی تمایل به پرداخت و عدم توان پرداخت، به تخصیص نامتوازن بودجه خانوار منجر خواهد شد که آثار آن بر حضور خانوارها در بازارهای کار و کالاها و خدمات، تبعاتی را به صورت چند پیشگی، کاهش فرصت‌های شغلی برای نیروی کار جوان، کاهش تقاضا برای کالا و خدمات، و رکود اقتصادی را به دنبال دارد (قارون، ۱۳۸۱).

به دنبال افزایش تقاضا برای آموزش عالی و پاسخ‌گویی به این تقاضا، ما شاهد این واقعیت هستیم که در سال‌های اخیر نسبت جنسیتی دانشجویان به نفع دختران افزایش یافته است و این به صورت یک مسئله پاتولوژیک (آسیبی) می‌تواند دارای پیامدها و آثار مثبت و منفی باشد (زارع‌شاه‌آبادی، ۱۳۸۲). مثلاً در سال ۱۳۸۹ از مجموع ۱۲۸۶۸۱۳ نفر شرکت‌کننده در آزمون سراسری، بیش از ۶۰ درصد را زنان (۷۷۷۶۵۳ نفر) و کمتر از ۴۰ درصد را مردان (۵۱۳۱۶۰ نفر) تشکیل دادند (سازمان سنجش، ۱۳۸۹). البته افزایش جنسیتی به نفع دختران در سایر کشورها نیز واقعیتی انکارناپذیر است (ریگل-کرامب^۱، ۲۰۱۰).

بر اساس آمار و اطلاعات موجود کشور ما در طول سالیان گذشته هرگز توان جذب نیروهای تحصیل‌کرده را نداشته است و آن تعداد نیروهایی هم که جذب بازارکار شده‌اند اکثراً در شغلی نامناسب با رشته تحصیلی خود به فعالیت اشتغال داشته‌اند که این امر تا حد زیادی ناشی از رشد فزاینده و بی‌برنامه پذیرش دانشجو در رشته‌های مختلف بدون توجه

¹. Riegle-Crumb

به بازارکار کشور است (اکبری پور، ۱۳۸۳). به گزارش بانک جهانی در سال های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ نرخ بیکاری در میان جمعیت دارای تحصیلات عالی در ایران ۱۹/۶ درصد بوده است.

بر طبق آنچه گذشت، از یک طرف با این واقعیت مواجه هستیم که هر سال تقاضا و تمایل دانش‌آموزان برای ورود به دانشگاه رو به افزایش است و از طرف دیگر نظاره‌گر مسائل و تنش‌هایی هستیم که دانش‌آموزان و دانشجویان قبل از ورود به دانشگاه مانند استرس کنکور و مسائل ناشی از آن (حج فروش، ۱۳۸۱؛ مردیها، ۱۳۸۳؛ معتمدی، ۱۳۸۵)؛ در دانشگاه و در جریان تحصیل مانند افت تحصیلی (نورشاهی، ۱۳۷۵)، اختلالات روانی (فردوسی، ۱۳۸۲؛ حسین شاهی و سیاح سیار، ۱۳۸۴) و همچنین پس از فارغ التحصیلی از دانشگاه مانند بیکاری با آن دست به گریبان هستند. در این شرایط پرسیدن این سؤال بسیار منطقی و پاسخ به آن بسیار ضروری است «که با توجه به مسائل و مشکلات موجود، چه انگیزه‌ها و عواملی دانش‌آموزان را به سمت دانشگاه می‌کشاند». از این رو پژوهش حاضر به دنبال یافتن پاسخی برای این سؤال است که:

عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان سال چهارم دبیرستان برای ادامه تحصیل در دانشگاه کدامند؟

بررسی ادبیات

در رابطه با عوامل و انگیزه‌های دانش‌آموزان برای ورود به دانشگاه پژوهش‌های مختلفی در داخل و خارج از کشور صورت گرفته است. بوروس و کارپنتر^۱ (۱۹۸۴) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که افزایش سن ازدواج دانش‌آموزان دختر، افزایش جمعیت و افزایش تحصیلات والدین، تأثیر مثبت و امکانات و ویژگی‌های دبیرستان تأثیر بسیار کمی بر احتمال ورود دانش‌آموزان سال آخر دبیرستان به دانشگاه در همان سال داشته است. هایدن و کارپنتر^۲ (۱۹۹۰) در پژوهش خود نشان دادند که موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان در سال آخر دبیرستان و تشویق والدین‌شان برای ادامه تحصیل در دانشگاه تأثیر مثبتی بر ورود آنها به دانشگاه دارد. به علاوه جنسیت، تشویق معلمان برای ادامه تحصیل در دانشگاه، انگیزه‌های

¹. Borus & Carpenter

². Hayden & Carpenter

شخصی و میزان ارزشی که دانشگاه در نزد دانش‌آموزان دارد، نیز از لحاظ آماری معنادار بودند. نونمن و داجسن^۱ (۱۹۹۸) نشان دادند میزان درآمد و انگیزه سرمایه‌گذاری (اختلاف حقوق افراد تحصیل‌کرده و غیرتحصیل‌کرده در سال) تأثیر مثبت و هزینه فرصت از دست‌رفته تأثیر منفی بر ثبت‌نام در دانشگاه دارند.

نمون در پژوهشی که در سال ۱۹۹۸ به منظور شناسایی عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری دانش‌آموزان سال آخر دبیرستان برای ادامه تحصیل در دوره‌های آموزش عالی انجام داد، با استفاده از روش تحلیل عاملی به ۷ عامل اصلی دست یافت که عبارتند از: عامل فردی- روان‌شناختی (مانند علاقه، نگرش دانش‌آموز نسبت به خود)، نگرش دانش‌آموز نسبت به اشتغال، نگرش دانش‌آموز نسبت به ورود مستقیم از دبیرستان به بازارکار، منافع مالی حاصل از تحصیلات دانشگاهی، عامل مصرفی تحصیلات دانشگاهی، رشته تحصیلی دانش‌آموز در دبیرستان و دیگر عوامل معنی‌دار.

طبق نتایج پژوهش جیانلی و منفردینی^۲ (۲۰۰۰)، درآمد مورد انتظار ناشی از سرمایه‌گذاری در تحصیلات دانشگاهی تأثیرگذارترین عامل در تصمیم‌گیری افراد برای ورود به دانشگاه محسوب می‌شود، همچنین افزایش بی‌کاری جوانان را تشویق می‌کند که پس از پایان تحصیلات دبیرستان بلافاصله وارد دانشگاه شوند. سیسوکو و شیاو^۳ (۲۰۰۰) عواملی را در ارتباط با تمایل افراد به ادامه تحصیل در دانشگاه مؤثر می‌دانند که عبارت‌اند از: تفاوت در وضعیت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی افراد و خانواده‌های آنان، رسیدن به موقعیت‌های شغلی بهتر در بازارکار، وجود بی‌کاری در میان فارغ‌التحصیلان سطوح پایین‌تر تحصیلی، افزایش پذیرش دانشجویان در دانشگاه‌ها، و عوامل اقتصادی مانند کسب درآمد بالاتر، هزینه‌های تحصیل و میزان درآمد خانواده.

گرین و هیل^۴ (۲۰۰۳) در پژوهش خود که به مقایسه انگیزه‌های زنان و مردان برای ورود به دانشگاه پرداختند، نشان دادند که برای زنان بهبود موقعیت‌های کاری و اشتغال در اولویت اول قرار دارد و انگیزه‌های دیگری مانند افزایش علم و دانش، کسب درآمد بالاتر،

^۱.Nonneman& Duchesne

^۲.Giannelli&Monfardini

^۳.Sissoko&Shiau

^۴.Green & Hill

رسیدن به موفقیت مورد نظر والدین، پیدا کردن همسر ایده‌آل و رسیدن به یک زندگی رضایت‌بخش در اولویت‌های بعدی قرار دارند. اما برای مردان، پدر خوب شدن، کسب علم و دانش از اولویت‌های مهم آنها برای ورود به دانشگاه محسوب می‌شد. اریکا چنوو^۱ و رنه‌گالی هر^۲ (۲۰۰۴) در پژوهش خود نشان دادند مفاهیم خانواده و دوستان (به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های برجسته‌تری از آرمان‌های دانشگاهی) بیشتر برای مردان برجسته بود در حالی که متغیرهای مرتبط با آماده سازی شخصی و موانع خارجی حضور در دانشگاه برای زنان برجسته‌تر بود و ملاحظات فرهنگی و شرایط اقتصادی برای زنان و مردان تأثیر واحدی داشتند.

به نظر ماکسول^۳، کوپر^۴ و بیگز^۵ (۲۰۰۰)، بدست آوردن شغل مناسب و کسب درآمد بالاتر مهم‌ترین انگیزه دانش‌آموزان برای ورود به دانشگاه است و کسب دانش و یادگیری در حیطه‌های مورد علاقه از طریق دانشگاه، دومین انگیزه مهم می‌باشد. ساچمن^۶ (۲۰۰۵) دو دسته عوامل فردی و محیطی را در تقاضای افراد برای ورود به دانشگاه مؤثر می‌داند. عوامل فردی عبارت‌اند از: برخورداری از توانایی‌های فکری و ذهنی، علاقه به ادامه تحصیل در دانشگاه، معدل تحصیلی و آینده نگری فرد. عوامل محیطی عبارت‌اند از: سابقه تحصیلی خانواده، فرایند پذیرش دانشجو در دانشگاه، وضعیت اشتغال در جامعه، کیفیت و کمیت علمی و آموزشی دانشگاه‌ها. بون^۷ (۲۰۰۶) اذعان می‌دارد عوامل محیطی و عوامل اقتصادی مختلفی بر تمایل افراد برای ادامه تحصیل در دوره‌های دانشگاهی تأثیرگذارند. این عوامل عبارتند از: کسب درآمد بالاتر، میزان هزینه‌های تحصیل در دانشگاه، دستیابی به شغل مناسب‌تر و تشویق والدین نسبت به ادامه تحصیل فرزندان.

لیاقت‌دار و همکارانش (۱۳۸۷) به این نتیجه رسیدند علاقه‌مندی زنان به احراز شغل، کسب اعتبار و موقعیت اجتماعی و علاقه‌مندی آنان به مشارکت سیاسی بیش از حد متوسط در گرایش آنها به آموزش عالی مؤثر بوده است. با توجه به پژوهش زارع شاه آبادی (۱۳۸۲)

^۱.Erica Chenoweth

^۲.Renee V.Galliher

^۳.Maxwell

^۴.Cooper

^۵.Biggs

^۶.Sachman

^۷.Bone

انگیزه‌های مهم دانشجویان در گرایش به آموزش عالی به ترتیب عبارتند از: کسب منزلت اجتماعی بالاتر، کسب معلومات بالاتر و تقویت قوه تفکر و درک خود، کسب شغل بالاتر و کسب درآمد بالاتر. نتایج پژوهش اکبری و همکارانش (۱۳۸۶) نشان داد عوامل و ویژگی‌های فردی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی، سیستم آموزشی و دبیرستان و همچنین وضعیت آینده جامعه بیش از سطح متوسط بر تقاضا برای آموزش عالی افراد مجاز به انتخاب رشته مؤثر بوده‌اند. در بین عوامل فردی، تلاش برای کسب زندگی ایده‌آل و همچنین تضمین موفقیت تحصیلی فرزندان در آینده از طریق دانشگاه تأثیرگذارترین عوامل بوده‌اند. در بین عوامل خانوادگی بیشترین تأثیر را مادر خانواده بر ادامه تحصیل و تقاضا برای آموزش عالی داشته است. در بین عوامل اجتماعی، انگیزه افراد مبنی بر اینکه ورود بر دانشگاه در کسب زندگی ایده‌آل‌شان مؤثر بوده است، تأثیرگذارترین عامل بوده است. در بین عوامل و امکانات آموزشی، معلمان بیش از هر عامل دیگری در سیستم آموزشی، برنامه آینده افراد را تحت تأثیر قرار داده‌اند. در رابطه با وضعیت آینده جامعه، اعتقاد افراد مبنی بر تضمین موفقیت تحصیلی فرزندان‌شان در آینده با ورود به دانشگاه، تأثیرگذارترین عامل بوده است. محمدی روزبهانی و طارمی (۱۳۸۴) نشان دادند انگیزه‌های داوطلبان تهرانی برای ورود به دانشگاه به ترتیب اولویت عبارتند از: منزلت اجتماعی، محیط اجتماعی دانشگاه، انگیزه شغلی، علاقه تحصیلی و علمی، راه حل موقت. در این میان داوطلبان زن نسبت به داوطلبان مرد به سه انگیزه اول اهمیت بیشتری می‌دهند و انگیزه علاقه تحصیلی و علمی برای مردان اهمیت بیشتری دارد و در انگیزه راه حل موقت بین دو جنسیت تفاوت معناداری وجود ندارد. زمانی (۱۳۷۸) بیان می‌کند دلایل دانشجویان برای ورود به دانشگاه عبارت‌اند از: کسب علم، ارتقای علمی برای خدمت بهتر به جامعه، ارزش‌های انسانی، مزایای مادی و شغلی، کسب ارزش‌های اجتماعی، فشارهای اجتماعی، خواست و فشار خانواده، فرار از سربازی، گریز از بیکاری. از میان دلایل فوق سه دلیل کسب علم (صرفاً به خاطر ارزش علم)، ارتقای علمی و تخصصی برای خدمت بهتر به جامعه، و کسب مدرک برای بهره‌گیری از مزایای مادی و شغلی در جامعه، از مهم‌ترین انگیزه‌های دانشجویان برای ورود به دانشگاه محسوب می‌شود.

نتایج پیمایش سراسری سازمان ملی جوانان (۱۳۸۰) درباره وضعیت و نگرش جوانان ایرانی نشان داد که ۷۷ درصد جوانان برای کسب مدرک تحصیلی وارد دانشگاه می‌شوند، ۶۵ درصد ورود به دانشگاه را موجب دستیابی به شغل و ۷۷ درصد باعث کسب موقعیت اجتماعی بالاتر می‌دانند و ۲۳ درصد فشار خانواده و اطرافیان را در این مورد مؤثر دانسته‌اند (محمدی روزبهانی و طارمی، ۱۳۸۴).

روش پژوهش

پژوهش حاضر بر حسب هدف آن از نوع پژوهش‌های کاربردی است و با توجه به اینکه پژوهش حاضر بدون دستکاری متغیرهای مستقل به توصیف وضع موجود می‌پردازد، از لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها در زمره تحقیقات توصیفی و از نوع پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش حاضر عبارت است از کلیه دانش‌آموزان (۶۱۷۵) دختر و پسر سال چهارم دبیرستان که در سال تحصیلی ۹۰ - ۱۳۸۹ در سه رشته ریاضی، تجربی و انسانی در دبیرستان‌های دولتی شهر کرمانشاه مشغول به تحصیل می‌باشند که از این میان با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای ۵۴۰ نفر به طور تصادفی انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه نگرش سنج محقق ساخته استفاده شده است. پرسشنامه شامل ۴۳ گویه است که برای عوامل فردی- روانشناختی ۱۲ گویه، برای عوامل خانوادگی ۷ گویه، برای عوامل اجتماعی- فرهنگی ۱۰ گویه، برای عوامل اقتصادی ۷ گویه و برای عوامل آموزشی ۷ گویه طراحی شده است. برای جمع‌آوری پرسشنامه‌ها به ۱۸ دبیرستان از سه ناحیه آموزشی (هر ناحیه ۳ دبیرستان دخترانه و ۳ دبیرستان پسرانه) مراجعه شد و از هر دبیرستان ۳۰ دانش‌آموز (از هر رشته ۱۰ نفر) به طور تصادفی انتخاب شدند و پس از توضیح نکات لازم در مورد پرسشنامه به دانش‌آموزان، پرسشنامه‌ها در اختیار آنان قرار داده شد. در زمان توزیع پرسشنامه بر تکمیل پرسشنامه، مطالعه دقیق گویه‌ها، ارائه پاسخ‌های صادقانه و مخفی ماندن پاسخ‌ها تأکید شد. لازم به ذکر است سؤال‌های پرسشنامه با استفاده از مبانی نظری و پیشینه پژوهش در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) طراحی شد. پایایی پرسشنامه با استفاده از روش الفای کرونباخ ۰/۸۴۷ به دست آمد و برای تعیین روایی پرسشنامه از روش روایی صوری استفاده شده است. به این ترتیب که

پرسشنامه طراحی شده توسط صاحب‌نظران برجسته مورد بررسی، بازبینی و تأیید قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

عوامل بسیاری تصمیم‌گیری دانش‌آموزان سال چهارم دبیرستان را مبنی بر ورود یا عدم ورود به دانشگاه تحت تأثیر قرار می‌دهند. در این پژوهش بر عوامل فردی- روان‌شناختی، خانوادگی، اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و آموزشی تأکید و سعی شده است با استفاده از روش‌های آماری آزمون فریدمن و میانگین رتبه‌ای مهم‌ترین عوامل فردی- روان‌شناختی، خانوادگی، اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و آموزشی تعیین گردد.

عوامل فردی- روان‌شناختی مؤثر در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان برای ادامه تحصیل در دانشگاه: نتایج آزمون فریدمن در جدول ۱ نشان می‌دهد بین عوامل فردی- روان‌شناختی مؤثر در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان سال چهارم دبیرستان برای ادامه تحصیل در دانشگاه تفاوت معناداری در ترتیب اولویت در سطح معناداری ۰/۰۵ وجود دارد ($\chi^2 = 1341/00$). این عوامل به ترتیب اولویت از مهم‌ترین تا کم‌اهمیت‌ترین در جدول ۲ آمده است.

جدول ۱ شماره. نتایج آزمون فریدمن مربوط به مؤلفه فردی- روان‌شناختی

مؤلفه	تعداد	χ^2	df	سطح معناداری
عوامل فردی- روان‌شناختی	۵۰۱	۱۳۴۱/۰۰	۱۱	۰/۰۰۰

$p < .05$

جدول شماره ۲. شاخص‌های توصیفی مربوط به عوامل فردی- روان‌شناختی مؤثر در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان سال چهارم دبیرستان برای ادامه تحصیل در دانشگاه به ترتیب اولویت

عوامل فردی- روان‌شناختی	میانگین رتبه‌ای
- علاقه زیادی برای رفتن به دانشگاه دارم.	۹/۰۴
- فکر می‌کنم استعداد لازم را برای ادامه تحصیل در دانشگاه دارم.	۸/۲۱
- می‌خواهم به دانشگاه بروم تا به رشد فکری برسم.	۸/۱۷
- محیط دانشگاه به من کمک می‌کند تا خودم را بهتر بشناسم.	۷/۲۲
- برای من تحصیلات دانشگاهی به خاطر خود تحصیلات ارزشمند است.	۶/۹۲
- مهم‌ترین دلیل من برای رفتن به دانشگاه کسب دانش و معلومات است.	۶/۶۸
- درس خواندن برایم لذت بخش است.	۶/۵۲
- در طول دوران تحصیلاتم دانش آموز موفق و زرنگی بوده‌ام.	۶/۵۱
- روزانه برای انجام تکالیف مدرسه وقت زیادی می‌گذارم.	۵/۸۱
- اگر به دانشگاه بروم فعلاً سرگرم می‌شوم و از خانه ماندن و بیکاری بهتر است.	۴/۸۲

۴/۳۸	- می‌خواهم به دانشگاه بروم تا با دوری از خانواده به استقلال برسم.
۳/۷۳	- مهم‌ترین دلیل من برای رفتن به دانشگاه یافتن همسر مناسب است.

با توجه به جدول ۲ می‌توان گفت علاقه به ادامه تحصیل در دانشگاه، تفکر دانش‌آموزان مبنی بر داشتن استعداد لازم برای ادامه تحصیل در دانشگاه (داشتن خودپنداره تحصیلی بالا) و کسب شناخت و آگاهی از طریق دانشگاه (می‌خواهم به دانشگاه بروم تا به رشد فکری برسم، محیط دانشگاه به من کمک می‌کند تا خودم را بهتر بشناسم) به ترتیب مهم‌ترین عوامل فردی- روان شناختی مؤثر در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان سال چهارم دبیرستان برای ادامه تحصیل در دانشگاه است.

عوامل خانوادگی مؤثر در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان برای ادامه تحصیل در دانشگاه:
نتایج آزمون فریدمن در جدول ۳ نشان می‌دهد بین عوامل خانوادگی مؤثر در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان سال چهارم دبیرستان برای ادامه تحصیل در دانشگاه تفاوت معناداری در ترتیب اولویت در سطح معناداری ۰/۰۵ وجود دارد ($\chi^2=346/13$). این عوامل به ترتیب اولویت از مهم‌ترین تا کم اهمیت‌ترین در جدول ۴ آمده است.

جدول شماره ۳. نتایج آزمون فریدمن مربوط به مؤلفه خانوادگی

مؤلفه	تعداد	χ^2	df	سطح معناداری
عوامل خانوادگی	۵۱۳	۳۴۶/۱۳	۶	۰/۰۰۰

$p < .05$

جدول شماره ۴. شاخص‌های توصیفی مربوط به عوامل خانوادگی مؤثر در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان سال چهارم دبیرستان برای ادامه تحصیل در دانشگاه به ترتیب اولویت

میانگین رتبه‌ای	عوامل خانوادگی
۴/۶۸	- والدینم از من انتظار دارند با قبولی در دانشگاه باعث افتخار و سربلندی آنها شوم.
۴/۶۱	- برای خانواده‌ام درس خواندن اهمیت بسیاری دارد.
۴/۴۸	- مادرم تمایل دارد که حتماً وارد دانشگاه شوم.
۳/۸۳	- پدرم تمایل دارد که حتماً وارد دانشگاه شوم.
۳/۶۷	- خواهر و برادرانم برای ادامه تحصیل در دانشگاه من را تشویق می‌کنند.
۳/۴۲	- والدینم حاضرند برای قبولی من در دانشگاه هر هزینه‌ای پرداخت کنند. (مانند هزینه کلاس کنکور و خرید کتاب و....).
۳/۳۱	- در خانه‌ی ما امکانات و شرایط مناسب برای درس خواندن فراهم است.

با توجه به جدول ۴، می‌توان گفت انتظار والدین مبنی بر افتخار آفرینی فرزندشان برای خانواده از طریق ورود به دانشگاه، اهمیت بالای درس خواندن برای خانواده، تمایل مادر برای ورود فرزندشان به دانشگاه و تمایل پدر برای ورود فرزندشان به دانشگاه به ترتیب مهم‌ترین عوامل خانوادگی مؤثر در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان سال چهارم دبیرستان برای ورود به دانشگاه است.

عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان برای ادامه تحصیل در دانشگاه: نتایج آزمون فریدمن در جدول ۵ نشان می‌دهد بین عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان سال چهارم دبیرستان برای ادامه تحصیل در دانشگاه تفاوت معناداری در ترتیب اولویت در سطح معناداری ۰/۰۵ وجود دارد ($\chi^2=1407/05$). این عوامل به ترتیب اولویت از مهم‌ترین تا کم اهمیت‌ترین در جدول ۶ آمده است.

جدول شماره ۵. نتایج آزمون فریدمن مربوط به مؤلفه اجتماعی - فرهنگی

مؤلفه	تعداد	χ^2	df	سطح معناداری
عوامل اجتماعی - فرهنگی	۵۱۴	۱۴۰۷/۰۵	۹	۰/۰۰۰

$p < .05$

جدول شماره ۶. شاخص‌های توصیفی مربوط به عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان سال چهارم دبیرستان برای ادامه تحصیل در دانشگاه به ترتیب اولویت

میانگین رتبه‌ای	عوامل اجتماعی - فرهنگی
۷/۳۷	- می‌خواهم به دانشگاه بروم تا منزلت اجتماعی بالاتری کسب کنم
۶/۱۸۵	- می‌خواهم با قبولی در دانشگاه وارد اجتماع شده و با افراد بیشتری در تعامل باشم
۶/۴۴	- دانشجو بودن در میان خویشاوندان من اهمیت ویژه‌ای دارد.
۶/۲۶	- تعداد زیادی از دوستانم می‌خواهند وارد دانشگاه شوند.
۶/۱۰	- می‌خواهم با ادامه تحصیل در دانشگاه به جامعه خدمت کرده و در حل مشکلات آن سهیم باشم.
۵/۴۶	- فرهنگ مدرک‌گرایی تأثیر بسیاری روی تصمیم‌گیری دانش‌آموزان برای ورود به دانشگاه دارد.
۵/۱۰	- بسیاری از دانش‌آموزان به خاطر چشم و هم‌چشمی خود و خانواده‌هایشان می‌خواهند وارد دانشگاه می‌شوند.
۴/۹۲	- رسانه‌های جمعی (رادیو، تلویزیون، مطبوعات و...) من را به ادامه تحصیل در دانشگاه ترغیب می‌کنند.
۴/۴۵	- تأکید اسلام و فرهنگ ملی بر کسب علم از دلایل من برای ورود به دانشگاه می‌باشد.
۲/۰۵	- می‌خواهم به دانشگاه بروم تا فقط مدرک تحصیلی داشته باشم بدون آنکه رشته دانشگاهی، اعتبار و نوع دانشگاه برایم مهم باشد.

با توجه به جدول ۶، می‌توان گفت کسب منزلت اجتماعی بالاتر، گسترش روابط و تعاملات اجتماعی از طریق ورود به دانشگاه، اهمیت دانشجو بودن در میان خویشاوندان و

قصد دوستان برای ورود به دانشگاه به ترتیب مهم‌ترین عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان سال چهارم دبیرستان برای ورود به دانشگاه است.

عوامل اقتصادی مؤثر در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان برای ادامه تحصیل در دانشگاه:

نتایج آزمون فریدمن در جدول ۷ نشان می‌دهد بین عوامل اقتصادی مؤثر در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان سال چهارم دبیرستان برای ادامه تحصیل در دانشگاه تفاوت معناداری در ترتیب اولویت در سطح معناداری ۰/۰۵ وجود دارد ($\chi^2=1250/49$). این عوامل به ترتیب اولویت از مهم‌ترین تا کم اهمیت‌ترین در جدول ۸ آمده است.

جدول شماره ۷. نتایج آزمون فریدمن مربوط به مؤلفه اقتصادی

مؤلفه	تعداد	χ^2	df	سطح معناداری
عوامل اقتصادی	۵۱۸	۱۲۵۰/۴۹	۶	۰/۰۰۰

$p < .05$

جدول شماره ۸. شاخص‌های توصیفی مربوط به عوامل اقتصادی مؤثر در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان سال چهارم دبیرستان برای ادامه تحصیل در دانشگاه به ترتیب اولویت

میانگین رتبه ای	عوامل اقتصادی
۵/۴۲	- می‌خواهم به دانشگاه بروم تا شغل مناسبی پیدا کنم.
۴/۷۱	- فکر می‌کنم داشتن مدرک دانشگاهی در کسب درآمد بالاتر بسیار مؤثر است.
۴/۶۴	- اعتقاد دارم تحصیلات دانشگاهی نوعی سرمایه‌گذاری است که منافع آن در آینده نصیب فرد می‌شود.
۴/۶۰	- مهم‌ترین انگیزه‌ام برای ورود به دانشگاه دستیابی به شغل‌های رسمی و دولتی است.
۳/۶۶	- احتمال بیکاری پس از پایان تحصیلات دانشگاهی تصمیم من را برای ادامه تحصیل در دانشگاه تحت تأثیر قرار نمی‌دهد.
۳/۲۸	- اگر دانشگاه قبول شوم مشکلی برای تأمین هزینه‌های تحصیلی‌ام وجود ندارد.
۱/۶۹	- به نظر من هزینه تحصیلات دانشگاهی بالا است.

با توجه به جدول ۸، می‌توان گفت یافتن شغل مناسب، کسب درآمد بالاتر، تلقی کردن تحصیلات دانشگاهی به عنوان سرمایه‌گذاری و دستیابی به شغل‌های رسمی مهم‌ترین عوامل اقتصادی مؤثر در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان سال چهارم دبیرستان برای ورود به دانشگاه است.

عوامل آموزشی مؤثر در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان سال چهارم دبیرستان برای ادامه تحصیل: نتایج آزمون فریدمن در جدول ۹ نشان می‌دهد بین عوامل اقتصادی مؤثر در

تصمیم‌گیری دانش‌آموزان سال چهارم دبیرستان برای ادامه تحصیل در دانشگاه تفاوت معناداری در ترتیب اولویت در سطح معناداری ۰/۰۵ وجود دارد ($\chi^2=۸۶۸/۲۸$). این عوامل به ترتیب اولویت از مهم‌ترین تا کم‌اهمیت‌ترین در جدول ۱۰ آمده است.

جدول شماره ۹. نتایج آزمون فریدمن مربوط به مؤلفه آموزشی

مؤلفه	تعداد	χ^2	df	سطح معناداری
عوامل آموزشی	۵۱۷	۸۶۸/۲۸	۶	۰/۰۰۰

$p < .05$

جدول شماره ۱۰. شاخص‌های توصیفی مربوط به عوامل آموزشی مؤثر در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان سال چهارم دبیرستان برای ادامه تحصیل در دانشگاه به ترتیب اولویت

عوامل رتبه‌ای	عوامل آموزشی
۵/۳۲	- رشته تحصیلی‌ام من را به ادامه تحصیل در دانشگاه ترغیب می‌کند.
۴/۹۹	- معلم‌هایم من را به ادامه تحصیل در دانشگاه تشویق می‌کنند.
۴/۸۷	- همکلاسی‌هایم برای قبولی در دانشگاه با یکدیگر رقابت می‌کنند.
۳/۶۶	- برنامه‌های آمادگی کنکور در این دبیرستان (کلاس‌های کنکور، آزمون‌های آزمایشی و...) من را به ادامه تحصیل در دانشگاه ترغیب می‌کند.
۳/۳۵	- مشاوران مدرسه در تعیین این‌که پس از دبیرستان وارد بازار کار شوم یا ادامه تحصیل دهم بسیار نقش دارند.
۲/۹۶	- امکانات آموزشی مدرسه (کتابخانه، آزمایشگاه و...) من را به ادامه تحصیل در دانشگاه ترغیب می‌کند.
۲/۸۵	- در این دبیرستان فعالیت‌هایی برای ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان برای ورود به دانشگاه صورت می‌گیرد (مانند دعوت از قبول شدگان سال گذشته، دعوت از کارکنان مشاغل مختلف برای سخنرانی و...).

نتایج جدول ۱۰، نشان می‌دهد رشته تحصیلی دانش‌آموزان در دبیرستان، تشویق معلمان و رقابت با همکلاسی‌ها به ترتیب مهم‌ترین عوامل آموزشی مؤثر در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان سال چهارم دبیرستان برای ورود به دانشگاه است.

اولویت‌بندی عوامل پنج‌گانه مذکور بر طبق میزان تأثیر آنها در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان سال چهارم دبیرستان برای ادامه تحصیل در دانشگاه: بررسی نتایج ارائه شده در جدول ۱۱، حاکی از آن است که بین عوامل پنج‌گانه مؤثر در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان سال چهارم دبیرستان برای ادامه تحصیل در دانشگاه تفاوت معناداری در ترتیب اولویت در سطح معناداری ۰/۰۵ وجود دارد ($\chi^2=۵۱۶/۱۶$). این عوامل به ترتیب اولویت از مهم‌ترین تا کم‌اهمیت‌ترین عامل در جدول ۱۲ آمده است.

جدول شماره ۱۱، نتایج آزمون فریدمن مربوط به عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان سال چهارم دبیرستان برای ادامه تحصیل در دانشگاه

سطح معناداری	df	χ^2	تعداد	
۰/۰۰۰	۴	۵۱۶/۱۶	۴۳۱	عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان سال چهارم دبیرستان برای ادامه تحصیل در دانشگاه

$p < .05$

جدول شماره ۱۲، شاخص‌های توصیفی مربوط به عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان سال چهارم دبیرستان برای ادامه تحصیل در دانشگاه

عوامل	میانگین رتبه‌ای
خانوادگی	۴/۲۴
فردی- روان‌شناختی	۳/۱۴
اجتماعی- فرهنگی	۳/۰۹
اقتصادی	۲/۶۶
آموزشگاهی	۱/۸۷

نتایج جدول ۱۲، نشان می‌دهد عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان سال چهارم دبیرستان برای ادامه تحصیل در دانشگاه به ترتیب اولویت از مهم‌ترین تا کم‌اهمیت‌ترین عوامل عبارتند از: عوامل خانوادگی، عوامل فردی- روان‌شناختی، عوامل اجتماعی - فرهنگی، عوامل اقتصادی و عوامل آموزشگاهی.

بحث

علاقه به ادامه تحصیل، خود پنداره تحصیلی بالا و کسب شناخت و آگاهی به ترتیب مهم - ترین عوامل فردی- روان‌شناختی مؤثر در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان برای ادامه تحصیل در دانشگاه هستند. علاقه به ادامه تحصیل به عنوان مهم‌ترین عامل، با یافته‌های پژوهش منون (۱۹۹۸) و ساچمن (۲۰۰۵) همخوانی دارد. طبق نظریه مازلو سلسله مراتبی از نیازها در انسان وجود دارد و نیاز به خودشکوفایی در بالاترین مرتبه از این سلسله مراتب قرار دارد. به نظر می‌رسد کسب شناخت و آگاهی از طریق ورود به دانشگاه، در راستای ارضای نیاز به خودشکوفایی در افراد شکل می‌گیرد.

انتظار والدین مبنی بر افتخار آفرینی فرزندشان برای خانواده از طریق ورود به دانشگاه، اهمیت بالای درس خواندن برای خانواده، تمایل مادر و در نهایت تمایل پدر برای ورود

فرزندشان به دانشگاه به ترتیب مهم‌ترین عوامل خانوادگی مؤثر هستند. طبق نظریه انگیزه پیشرفت، انگیزه پیشرفت به شکل درونی و بیرونی مطرح است. زمانی که تلاش فرد عمدتاً به دلیل پاسخگویی به خواسته‌ها و انتظارات دیگران باشد، انگیزه پیشرفت بیرونی است (خسروی، ۱۳۸۷). در پژوهش حاضر، انتظار والدین از فرزند دانش‌آموزانشان مبنی بر ورود به دانشگاه، در فرزند نوعی انگیزه پیشرفت بیرونی ایجاد می‌کند و در این شرایط دانش-آموزان تلاش می‌کنند برای پاسخگویی به انتظارات و خواسته‌های والدین و کسب رضایت خاطر آن‌ها راهی دانشگاه شوند.

در پژوهش حاضر تمایل و تشویق والدین (فشار از طرف خانواده) به عنوان یکی از عوامل مؤثر در ورود به دانشگاه فرزندان، نتایج پژوهش‌های هایدن و کارپتر (۱۹۹۰)، بون (۲۰۰۶)، اکبری و همکارانش (۱۳۸۶)، سازمان ملی جوانان (۱۳۸۱)، نقل از محمدی روزبھانی و طارمی، (۱۳۸۴) و زمانی (۱۳۷۸) را تأیید می‌کند. این یافته پژوهش که نقش مادر در تصمیم دانش‌آموزان برای ادامه تحصیل در دانشگاه، مؤثرتر از نقش پدر است، با یافته پژوهش اکبری و همکارانش (۱۳۸۶) همخوانی دارد.

کسب منزلت اجتماعی بالاتر، گسترش روابط و تعاملات اجتماعی، اهمیت ورود به دانشگاه در میان خویشتاوندان و قصد دوستان دانش‌آموز برای ورود به دانشگاه به ترتیب مهم‌ترین عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان برای ادامه تحصیل در دانشگاه هستند.

کسب منزلت اجتماعی بالاتر به عنوان مهم‌ترین عامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان برای ورود به دانشگاه، با نتایج پژوهش‌های زمانی (۱۳۷۸)، زارع شاه-آبادی (۱۳۸۲)، محمدی روزبھانی و طارمی (۱۳۸۴)، لیاقت دار و همکارانش (۱۳۸۷) و سازمان ملی جوانان (۱۳۸۱)، نقل از محمدی روزبھانی و طارمی، (۱۳۸۴) همسو می‌باشد. طبق نظریه مازلو، دانش‌آموزان می‌خواهند با کسب اعتبار اجتماعی از طریق راهیابی به دانشگاه، به نیاز به احترام در سلسله مراتب نیازهای مازلو پاسخ دهند.

دومین عامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر، گسترش روابط و تعاملات اجتماعی از طریق ورود به دانشگاه است. با توجه به نظریه مازلو، دانش‌آموزان سعی می‌کنند با گسترش روابط و تعاملات اجتماعی از طریق ورود به دانشگاه، به نیاز به تعلق و وابستگی اجتماعی در سلسله

مراتب نیازهای مازلو پاسخ گویند. طبق نظر محمدی روزبھانی و طارمی (۱۳۸۴) دانشگاه جدا از درس و تحصیل، محیط اجتماعی ویژه‌ای دارد که غالباً به عنوان محیط اجتماعی غنی‌تر و دارای افراد با سطح فکر بالاتر، نسبت به محیط عمومی جامعه مورد پذیرش همگان است. برای بسیاری از داوطلبان دستیابی به این محیط نسبت به درس و تحصیل اولویت بیشتری دارد.

مطابق با نظریه نقش هر فرد در جامعه از یک پایگاه اجتماعی برخوردار است. با فرض اینکه پایگاه اجتماعی، وضع یا موقعیتی است که فرد در سیستم روابط اجتماعی دارد و نقش نیز یک سلسله انتظارات و مسئولیت‌هایی است که به دارنده پایگاه اجتماعی ویژه‌ای مربوط شده و با تعهدات، وظایف، امتیازات، اختیارات و حقوق معینی مشخص می‌گردد (ساروخانی، ۱۳۷۰)، می‌توان اذعان داشت که جامعه از افرادی با موقعیت‌های اجتماعی متفاوت، انتظارات متفاوتی نیز دارد. بنابراین دانش‌آموز بودن برای فرد یک پایگاه اجتماعی اکتسابی محسوب می‌شود و اطرافیان و خویشاوندان دانش‌آموز مطابق با این پایگاه اجتماعی از او انتظار عملکرد دارند. با توجه به نکته گفته شده در جامعه امروز از دانش‌آموز سال چهارم دبیرستان چه انتظاری می‌رود؟ آیا غیر از این است که انتظار داریم خود را برای ورود به دانشگاه آماده کند؟

تأثیری که گروه دوستان، بر دانش‌آموزان برای ورود به دانشگاه دارند ممکن است از این جهت باشد که مطابق با نظریه یادگیری اجتماعی بندورا دانش‌آموز یک یا چند نفر از اعضای گروه دوستان خود را که قصد ورود به دانشگاه دارند را به عنوان الگوی خود انتخاب کرده باشد. از نظر بندورا وقتی که یادگیرنده، یعنی مشاهده‌کننده، رفتار شخص دیگری را مشاهده می‌کند که آن شخص برای انجام آن رفتار پاداش یا تقویت دریافت می‌کند، آن رفتار توسط فرد مشاهده‌کننده آموخته می‌شود (سیف، ۱۳۸۷: ۱۶۸).

یافتن شغل مناسب و کسب درآمد بالاتر به عنوان مهم‌ترین عوامل اقتصادی مؤثر در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان برای ادامه تحصیل در دانشگاه، با یافته‌های پژوهش نونمن و داجسن (۱۹۹۸)، جیانلی و منفردینی (۲۰۰۰)، ماکسول و همکارانش (۲۰۰۰)، سیسوکو و شیایو (۲۰۰۵)، منون (۱۹۹۸)، ساچمن (۲۰۰۵)، بون (۲۰۰۶)، زارع شاه آبادی (۱۳۸۲)،

محمدی روزبهانی و طارمی (۱۳۸۴)، سازمان ملی جوانان (۱۳۸۱)، نقل از محمدی روزبهانی و طارمی، (۱۳۸۴) و زمانی (۱۳۷۸) همخوانی دارد.

رشته تحصیلی دانش‌آموزان در دبیرستان، تشویق معلمان و رقابت با همکلاسی‌ها به ترتیب مهم‌ترین عوامل آموزشی مؤثر در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان برای ادامه تحصیل در دانشگاه هستند. نقش رشته تحصیلی به عنوان مهم‌ترین عامل آموزشی مؤثر در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان برای ادامه تحصیل در دانشگاه، یافته‌های پژوهش منون (۱۹۹۸) در قبرس را حمایت می‌کند. تشویق معلمان به عنوان دومین عامل آموزشی مؤثر در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان برای ورود به دانشگاه، نتایج پژوهش‌های هایدن و کارپنتر (۱۹۹۰) و اکبری و همکارانش (۱۳۸۶) را تأیید می‌کند.

از میان عوامل پنج‌گانه مؤثر در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان برای ادامه تحصیل در دانشگاه، به ترتیب اولویت عوامل خانوادگی، عوامل فردی- روان‌شناختی، عوامل اجتماعی- فرهنگی، عوامل اقتصادی و آموزشی تأثیرگذاری بیشتری دارند. این یافته که عوامل آموزشی کمترین تأثیر را دارد با یافته‌های پژوهش بورس و کارپنتر (۱۹۸۴) در انگلستان و اکبری و همکارانش (۱۳۸۶) همخوانی دارد.

به نظر می‌رسد عوامل آموزشی به تنهایی تأثیر چندانی در تشویق دانش‌آموزان برای ورود به دانشگاه ندارد و عوامل آموزشی بیشتر تشدید کننده عوامل دیگر است چون اکثریت دانش‌آموزان قبل از اینکه وارد مقطع سال چهارم دبیرستان شوند تحت تأثیر عوامل دیگر به ویژه عوامل خانوادگی تصمیم خود را مبنی بر ادامه تحصیل در دانشگاه گرفته‌اند. تحقیق معروف کلمن (۱۹۸۶) تحت عنوان "برابری فرصت‌های آموزشی" نشان داد که تأثیر محیط خانواده بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان به مراتب بیشتر از تأثیر برنامه‌های مدرسه است (شارع پور، ۱۳۸۷: ۲۰۶).

نتیجه‌گیری

عوامل خانوادگی بیشترین تأثیر را در تصمیم‌گیری دانش‌آموزان برای ادامه تحصیل در دانشگاه دارد و عوامل آموزشی در این زمینه از کم‌ترین اهمیت برخوردار است. با توجه به اینکه مدارس مکانی هستند که دانش‌آموزان قبل از ورود به دانشگاه در آنجا تحصیل می‌کنند، پیشنهاد می‌شود نسبت به آینده دانش‌آموزان حساسیت بیشتری نشان دهند. با توجه به

اینکه خانواده‌ها بیشترین تأثیر را بر تصمیم دانش‌آموزان مبنی بر ورود یا عدم ورود به دانشگاه دارند می‌توان از طریق اطلاع‌رسانی به خانواده‌ها تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی را هدایت کرد و حتی از شدت آن کاست.

مدرسه به عنوان رابط بین خانواده‌ها و جامعه، مرجع مطمئنی برای انتقال اطلاعات مختلف از جامعه به دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان محسوب می‌شود. از این رو مدارس باید اطلاعات دقیقی را در مورد رشته‌ها و دوره‌های آموزش عالی، هزینه‌های تحصیل، وضعیت بازارکار، نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان، تعداد متخصصان موجود و مورد نیاز کشور در رشته‌های مختلف دانشگاهی، راه‌های دیگر موفقیت و فعالیت در جامعه و... در اختیار دانش‌آموزان و خانواده‌های آنان قرار دهند و به آنها کمک کنند در این زمینه تصمیم بهتری اتخاذ کنند. این وظیفه را مشاوران در دبیرستان می‌توانند به عهده بگیرند.

انگیزه دانش‌آموزان برای ورود به دانشگاه، بیشتر انگیزه‌های بیرونی است و متأسفانه انگیزه کسب علم و دانش و همچنین ارزش‌یادگیری و تحصیلات به خاطر تحصیلات، از اهمیت چندانی برخوردار نبوده‌اند. این نشان می‌دهد جامعه ما یک جامعه مدرک‌گراست چون یکی از ویژگی‌های جوامع مدرک‌گرا، کم‌رنگ‌تر شدن اهداف عالی‌ی نظام آموزش عالی مانند کسب علم است. در این زمینه توصیه می‌شود بیش از هر عامل دیگری انگیزه کسب علم و یادگیری در دانش‌آموزان برای ورود به دانشگاه تقویت شود چون بدون وجود روحیه علمی در میان دانشجویان آینده، یکی از اهداف اصلی نظام آموزش عالی که پیشبرد مرزهای دانش و تولید دانش نو است، تحقق نخواهد یافت.

فهرست منابع

- آراسته، حمیدرضا (۱۳۸۵)، «همکاری‌های بین‌المللی آموزش عالی در ایران و چگونگی بهبود آن»، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، دوره ۱۲، شماره ۳۹، صص ۱۱۵-۹۹.
- آراسته، حمیدرضا؛ سبجانی نژاد، مهدی؛ همایی، رضا (۱۳۸۷)، «وضعیت دانشگاه‌های شهر تهران در عصر جهانی شدن از دیدگاه دانشجویان»، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، دوره ۱۴، شماره ۵۰، صص ۶۶-۴۷.
- اکبری پور، صفدر (۱۳۸۳)، «نگاهی به وضعیت اشتغال و بیکاری فارغ‌التحصیلان»، مجله کار و جامعه، شماره ۵۳.
- اکبری، نعمت‌اله و دیگران (۱۳۸۶)، «بررسی عوامل مؤثر بر تقاضای اجتماعی آموزش عالی (از دیدگاه شرکت‌کنندگان مجاز به انتخاب رشته در کنکور ۸۳-۱۳۸۲)»، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، شماره ۲۸.
- بازرگان، عباس (۱۳۷۴)، «ارزیابی درونی دانشگاهی و کاربرد آن در بهبود مستمر کیفیت آموزش عالی»، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره‌های ۱۱ و ۱۲، صص ۷۰-۴۹.
- حج فروش، احمد (۱۳۸۱)، «آسیب‌های کنکور بر هدف‌های دوره‌ی متوسطه و ارائه پیشنهاد برای رفع آسیب‌ها»، مجموعه مقالات سمینار بررسی مسائل و روش‌های آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها، اصفهان، صص ۱۳۵-۷۷.
- حسین شاهی، حمیدرضا؛ سیاح سیار، نیما (۱۳۸۴)، «آموزش عالی و دانشگاه»، مجله دانشگاه اسلامی، دوره ۹، شماره ۲۸، صص ۴۶-۱۳.
- خسروی، زهره (۱۳۷۸)، «بررسی عوامل پیش‌بینی‌کننده موفقیت و شکست تحصیلی در دانشجویان دانشگاه الزهراء»، فصلنامه علمی-پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء، دوره ۹، شماره‌های ۳۰ و ۳۱، صص ۷۰-۴۳.
- دهنوی، حسنعلی (۱۳۸۳)، «بررسی پیشینه اجتماعی متقاضیان ورود به آموزش عالی در سال ۱۳۸۲»، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۳۴، صص ۱۲۳-۹۳.
- زارع شاه‌آبادی، اکبر (۱۳۸۲)، «بررسی عوامل اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر گرایش به آموزش عالی در ایران (مطالعه تطبیقی دانشجویان دختر و پسر در دانشگاه یزد)»، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۱۸، صص ۴۳-۲۳.

زمانی، غلامحسین (۱۳۸۷)، «کارایی آموزش عالی، متأثر از اهداف و برنامه‌های تحصیلی دانشجویان. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی»، شماره ۱۸، صص ۹۵-۷۵.

ساروخانی، باقر (۱۳۷۰) «درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی»، تهران، کیهان.

سهرابی، حمید و دیگران (۱۳۷۶)، «عرضه و تقاضای نیروی انسانی متخصص در ایران، تحلیلی از وضع موجود و چشم انداز آینده»، سازمان برنامه و بودجه.

سیف، علی اکبر (۱۳۸۷)، «روانشناسی پرورشی نوین: روانشناسی یادگیری و آموزش»، تهران، دوران.

شارع‌پور، محمود (۱۳۸۷)، «جامعه‌شناسی آموزش و پرورش»، تهران، انتشارات سمت.

عمادزاده، مصطفی (۱۳۷۷)، «تقاضا برای آموزش عالی»، مجله برنامه و بودجه، شماره‌های ۱۶ و ۱۷، صص ۳۲-۱۵.

عمادزاده، (۱۳۸۲)، «تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی»، مجله پژوهشی شیخ بهایی، شماره ۳، صص ۷۱-۵۳.

عمادزاده، مصطفی (۱۳۸۲)، «اقتصاد آموزش و پرورش»، اصفهان، انتشارات جهاد دانشگاهی واحد اصفهان.

فردوسی، طیبه (۱۳۸۲)، «بررسی انواع مشکلات و اختلالات روانی دانشجویان مراجعه کننده به مراکز مشاوره دانشگاه‌های دولتی تهران»، نامه علوم انسانی، صص ۹۵-۶۲.

قارون، معصومه (۱۳۸۲)، «چالش‌های تقاضای اجتماعی آموزش عالی در ایران»، فصلنامه مجلس و پژوهش، دوره ۱۰، شماره ۴۱، صص ۳۲۲-۲۹۳.

قارون، معصومه (۱۳۸۱)، «تحلیل و برآورد تقاضای اجتماعی ورود به آموزش عالی. طرح نیازسنجی نیروی انسانی متخصص و سیاست‌گذاری توسعه منابع انسانی کشور»، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی.

لیاقت دار، محمدجواد و دیگران (۱۳۸۶)، «تاثیر و نقش اشتغال، اعتبار و مشارکت سیاسی در گرایش زنان به آموزش عالی بر اساس نگرش دانشجویان دختر دانشگاه‌های اصفهان»، مجله علمی و پژوهشی مطالعات زنان، دوره ۱، شماره ۳.

محمدی روزبهانی، کیانوش؛ طارمی، ابوالفضل (۱۳۸۴)، «عوامل انگیزشی داوطلبان برای ورود به دانشگاه»، مرکز مطالعات سنجش آموزش کشور، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره‌های ۳۷ و ۳۸، صص ۱۲۵-۱۰۳.

مردیها، مرتضی (۱۳۸۳)، «آسیب شناسی آزمون‌های ورودی دانشگاه»، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره‌های ۳۱ و ۳۲، صص ۱۳۰-۹۱.

معتمدی، عبدا.. (۱۳۸۵)، «تأثیر کنکور بر سلامت عمومی، عزت نفس و نشانه‌های اختلالات روانی راه‌نیافتگان به دانشگاه»، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۴۰، صص ۷۲-۵۵.

نورشاهی، نسرین (۱۳۷۵)، «افت تحصیلی در آموزش عالی»، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره‌های ۱۳ و ۱۴، صص ۹۵-۷۱.

Bone, J. (2006), "Strategic Plan", London School Of Education And Political Science.

Borus, M. E; Carpenter, S. A. (1984), "Factors Associated With College Attendance Of High School Seniors", *Economics Of Education Review*, 3, PP. 79-169.

Chenoweth, E. Galliher, R. V. (2004), "Factors Influencing College Aspirations Of Rural West Virginia High School Students", *Journal Of Research In Rural Education*, Vol.19, No 2.

Duchesne, I; Nonneman, W. (1998), "The Demand for Higher Education In Belgium. *Economics Of Education Review*", Vol. 17, No. 2, PP. 211-218.

Giannelli, G.C. ; Monfardini, C. (2000), "Joint Decisions On Household Membership And Human Capital Accumulation Of Youths, The Role Of Expected Earnings and Local Markets", *IZA, Discussion Paper*, No.191. Available at: <http://ftp.iza.org/dp191.pdf>

Green, R. J; Hill, J. H. (2003), "Sex And Higher Education: Do Man And Women Attend College For Different Reasons?", *College Student Journal*, Vol. 37, No.4, PP. 47-84.

Hayden, M; Carpenter, P. (1990), "From School To Higher Education In Australia. *Higher Education*", Vol. 20, No.2, PP. 175-196.

Maxwell, G; Cooper, M; Biggs, N. (2000), "How People Choose Vocational Education and Training Programs: Social, Educational And Personal Influences On Aspiration", *NCVER Publ.*, Australia.

Menon, M. E. (1998), "Factors Influencing Demand For Higher Education, The Case Of Cyprus", *Higher Education*, No.35, PP. 251-266.

OECD (2010), "Education at a Glance. OECD", Paris.

Riegle-Crumb, C. (2010), " More Girls Go to College: Exploring the Social and Academic Factors behind the Female Postsecondary Advantage among Hispanic and White Students", *Research in Higher Education*, Vol.51, No.6, PP. 573-593.

Sachman, A. (2005), "Post Graduate Study And Community Demand, Center For Professional Education Research And Consultancy (CPERC) Of Kingston University Landon".

Sissoko, M. ; Shiau, L. R. (2005), " Minority Enrollment Demand For Higher Education At Historically Black Colleges And Universities From 1976 To 1998, An Empirical Analysis", *Journal Of Higher Education*, Vol. 76, No. 2.